

فرهنگ‌یختگان

روزه

📅 چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۴
📰 شماره ۴۴۸۳
📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANDAILY.COM
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

ادامه از صفحه یک

از این منظر، هشتت محور پیشنهادی زیر برای تحول در روایت و تصویر اربعین ارائه می‌شود.

۱- **از روایتی صرفاً سَـوگوارانه و حزن‌انگیز به روایتی مسئولیت‌ساز، شورانگیز و فعال‌نسه در قبال آینده:** تغییر روایت اربعین از تمرکز صرف بر ماتم، به بازنمایی نقش شیعه به‌عنوان نیروی فعال برای حمایت از مظلومان، دعوت به عدالت جهانی و مبارزه با استکبار و بی‌عدالتی. این نگاه، چهره‌ای پرتحرک، کششگر و معنادار از تشیع در سطح بین‌المللی ارائه خواهد داد. مغناطیس زیارت از زائر اربعینی فردی مسئول و باورمند به رسالت آینده می‌سازد که در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات جامعه، نه‌تنها سکوت نمی‌کند، بلکه فعالانه و ششورانگیز سهم خود را در قبال آینده برمی‌گزیند تا نشان دهد امتدادبخش کاروان آزادی‌ساز سال ۶۱ هجری است. زائر اربعین پیوند خود با سالار شهیدان را صرْفاً در اندوه یا اَلینّا کَـثّا مُعَک در گذشته نمی‌داند، بلکه با اذعان به مُصَرَّتی لَکُم مُعَدَّة، با رویکردی آینده‌گرا عهد خود با امام را یادآور می‌کند تا امتدادبخش نهضت حیات‌بخش عاشورا در جهان باشد.

۲- **از تمرکز بر خدمات‌رسانی صرف به میدان‌سازی برای تأمل معرفتی و روایت‌سازی جهانی:** مواکب با عبور از تمرکز صرف بر خدمت‌رسانی لجستیکی و مراکز صرفاً خدماتی، جریان اربعین را به بستری فعال برای گفت‌وگوی معرفتی و تولید روایت‌های جهانی مردم‌پایه تبدیل کنند. این تحول با دو محور عملیاتی پیگیری می‌شود. از این رهگذار ایده اکسپور اربعینی و طراحی یک پلنرم نمایشگاهی و بین‌المللی برای عرضه توانمندی‌های

پاسخی به گفته‌های مهدی مطهرنیا در پرتو «آیین قدرت»

منازعه بر سر «کدام ایران؟» است

ادامه از صفحه یک

این واکاوی بر آن استست با واسبازی ایده «حاکمیت یکپارچه» و نقد متقابل گفتمان ایران‌گسرای رقیب که اغلب خود در برقراری پیوندی ارگانیک با وجدان دینی جامعه ناکام مانده، نشان دهد یا پدیده‌ای پیچیده و کارکردگرایانه مواجهیم؛ پدیده‌ای که در آن، نمادها نه اموری ثابت و موزهای، بلکه عناصری سیالند که در نسبت با نیازهای زمانه و منطق فا تعالی ساختار سیاسی، بازتولید و احضار می‌شوند.

➤ **آیا حاکمیت در برابر ایران ایستاده است؟**

بنیادین‌ترین چالش در برابر تحلیل ایشان، فروگاستن پدیده‌ای چندوجهی به تقابل دوقطبی کاذب میان گفتتمان انقلابی و هویت ایرانی است. این رویکرد، با طرح پرسش‌هایی از جنس «اکنون وقت خواندنن ای ایران است؟» یا با اشاره به نصب نمادهایی از اسطوره‌ها در میدان شهر، تصویری از حاکمیت یکپارچه و منسجم به دست می‌دهد که گویی در طول چهارده، در سبزیِ نظام‌مند با جوهر ایرانی بوده‌و حال، از سر ضرورت کارکردی و نیازی آنی به آن روی آورده است. چنین تصویری هم به لحاظ تاریخی و هم از منظر جامعه‌شناسی سیاسی از دقت کافی محروم‌تر نیست. اینجاست که نخستین پرسش اسازانه‌رخ می‌نماید: مخاطب این نقد دقیقاً کیست؟ آیا مراد، کلیت انتزاعی نظام است یا بدنه‌مدیریتی و نهادهای فرهنگی آن؟ به‌عنوان مثال نقض، کالبد‌مدیریت شهری پایتخت را در نظر بگیریم که متولی اصلی بازنمایی نمادین شهر است. شهرداری تهران، هیچ‌گاه به‌صورت انحصاری در تملک یک جناح سیاسی واحد نبوده و دوره‌هایی طولانی را در اختیار تکنوکرات‌ها، کارگزاران و اصلاح‌طلبان سپری کرده‌است؛ یعنی همان مدیرانی که اتفاقاً قُربت چندانی با آن گفتتمان انقلابی مورد نقد نداشتند. پس چگونه می‌توان غفلت یا کم‌کاری همین جریان‌ها در بازآفرینی نمادهای ملی در سیمای شهری را نادیده گرفت و آن را یک‌سره به‌پای حاکمیت کلی نوشت؟ در واقعیت امر، مسئله بغرنج‌تر از تقابلی ساده‌است: غیاب یا کم‌پرنگی نمادهای باستانی، محصول یک اراده‌سیاسی واحد نیست، بلکه برآیند و تلاقی پیچیده‌ای از اولویت‌های متغیر مدیریتی، تعصب بروکراتیک، تفاوت در نگرش‌های سیاسی درون‌گفتمانی و حتی نوعی پریشانی و سردرگمی در ساخت نظر در میان نخبگان فرهنگی بوده است. ازاین رو، فروگاستن این پدیدار چندوجهی به سطح اراده‌سیاسی واحد برای حذف ایران چشم‌پشتن بر تمامی این پیچیدگی‌ها و در نهایت، ساده‌سازی غیرتاریخی مسئله است.

➤ **«ایران تک‌ساحتی» واقعیت زیستهٔ ایرانیان نیست**
بُـد مَـدوم این تحلیل، ما را به نقدی متقارن و بازگرداندن آینه به‌سوی خود گفتتمان ایران‌گرا فرامی‌خواند؛ گفتمانی که آقای مطهر نیا گویی بعضی تاریخی آن را نمایندگی می‌کند؛ «آن زمان که ما می‌گفتیم اینجا ایران است... ما ضدانقلاب بودیم!» در پاسخ باید گفت مناقشه، هرگز بر سر تصدیق نام «ایران» نبوده، بلکه بر سر محتوای روایتی بود که از این نام عرضه

اجتماعی، اقتصادی، فناوری‌وروایت محصولات فرهنگی و نوآوری‌های اجتماعی اربعین در مقیاس جهانی، در مسیر اربعین و بعداً با قابلیت برگزاری در شهرهای مختلف جهان به‌صورت دوره‌ای قابل توجه است. همچنین تشکیل هسته‌های قدرتمند مردمی از طریق ایجاد شبکه‌های چاپک و متصل از فعالان فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی و اجتماعی در نقاط مختلف جهان که رویانگیری و ترویج ارزش‌های اربعین را در طول سال پیش بریند از جمله همین ایده‌هاست. این گزار، اربعین را از رخدادی مقطعی به جریان‌ی جهانی و مستمر در دیپلماسی مردمی ارتقا می‌دهد.

۳- **از تصویری صرف‌گرا و بعضاً اسراف‌کارانه به چهره‌ای دغدغه‌مند نسبت به فقر و بحران‌های انسانی منطقه:** با در نظر گرفتن شرایط انسانی در غزه و سایر نقاط جهان اسلام، بازنگری در شیوه‌ها و اطعام و نمایش ظاهری موکب‌ها ضرورت دارد. تصویری که امروز از اربعین به دنیا مخابره می‌شود باید به‌جای تصویری صرفاً باشکوه و پرزرق‌وبرق از اطعمه و اشربه، نمایانگر روح هم‌دردی، کرامت انسانی و عدالت‌خواهی شیعی باشد. ۴- **از نمادهایی صرفاً آیینی و سنتی به نشانه‌هایی تمدنی و جهانی برای انتقال پیام مشترک به جهان:** آلمان‌هایی چون چای عراقی، کتل‌ها و سیاه‌پوشی گسترده، در عین ارزش آیینی‌شان، نیازمند بازآفرینی خلاق برای مخاطبان جهانی‌اند. می‌توان با طراحی بصری نوآورانه، عناصر سنتی را در قالب‌های مدرن‌سازی‌شده، با پیام‌های جهانی مانند صلح و عدالت‌طلبی بازنمایی کرد.

۵- **از بازنمایی محدود یک هویت مذهبی خاص به صحنه‌ای دعوت‌گرایانه و فراگیر برای گفت‌وگو و مشارکت بین ادیان:** اربعین می‌تواند به چهارچوبی فراتر از تعلق به

یک هویت مذهبی خاص و عرصه‌ای جهانی برای تقویت گفت‌وگوی ادیان، هم‌افزایی فرهنگی و نمایش وحدت انسانی بدل گردد. طراحی بخش‌هایی از مسیر با تمرکز بر پیام‌های مشترک الهی و اخلاقی، راه‌اندازی موکب‌هایی با محوریت هم‌سخنی ادیان ابراهیمی و دعوت فعال از اهل‌سنتست و مسیحیان و دیگر جوامع معنویت‌گرا، می‌تواند اربعین را به الگویی از هم‌زیستی معنوی و انسجام جهانی ارتقا دهد.

۶- **از اطلاع‌رسانی خبری تا روایتگری معنامحور، هوشمند و به‌لحظه برای جامعه جهانی:** مدل سنتی اطلاع‌رسانی اربعین، عمدتاً مبتنی بر بازتاب‌های خبری کلیشه‌ای، محدود و تأخیری بوده که توانایی خلق روایت‌های تأثیرگذار برای افکار عمومی جهانی را ندارد. در عصر حکمرانی روایت و جریان‌سازی رسانه‌ای، باید از صرف انتقال خبر عبور کرد و به سمت روایتگری هم‌زمان، چندلایه و هوشمند پیش رفت. این روایتگری باید متناسب با لحن، ذائقه و پرسش‌های مخاطبان جهانی طراحی شود و پرسش‌ش‌زنده با زبان‌های گوناگون، به‌ویژه‌ای از ابزارهایی مانند واقعیت افزوده (AR)، پلنفرم‌های تعاملی، روایت‌های مومی‌سازی‌شده و تولید محتوای احساسی/تحلیلی در لحظه را دربرگیرد. ۷- **از چهره یک آیین صرفاً مذهبی گذشته‌گرا به تصویری توسعه‌گرا از یک ملت-حرکت خالق آینده:** اربعین، اگرچه ریشه در باورهای عمیق مذهبی دارد، اما در جهان امروز می‌تواند فراتر از یک آیین دینی و به‌مثابه نماد یک حرکت اخلاقی، زیست‌محیطی و توسعه‌گرا که بازتابی از مسئولیت‌پذیری تمدنی تشیع در قبال آینده‌زمین و جامعه بشری به تصویر کشیده‌شود. با توجه به بحران جهانی آب، تغییرات اقلیمی و گسترش مخاطرات زیست‌محیطی، لازم است جلوه‌های این حرکت مردمی نیز بازتعریف شود تا در ذهن

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

گذشته، همین افعال و غفلت در بازتولید هوشمندانه‌ای این کارکردها بوده باشد. اما این غفلت را نباید با مخالفت ذاتی یکی نهادشت؛ این بیشتر نشان از عدم درک عمیق همان مکانیسم کارکردگرای فرهنگ دارد تا ستیزی آگاهانه با خود نمادها.

➤ **هر گفتمانی که نتواند با جامعه ارتباط بگیرد محتوم به انزواست**

تفکیک میان ایران و اسلام، بر ساخته‌ای ذهنی و انتزاعی در ساحت اندیشه روشنفکری است، نه حقیقت جاری در کالبد فرهنگ و تاریخ این سرزمین. هویتی که امروز با آن زیست می‌کنیم، به‌سان آلیاژی مستحکم است که عناصرش چنان در کوره تاریخ در هم گداخته‌اند که جداکردنشان در عالم واقع، ناممکن و حتی مضحک می‌نماید، حتی کاربرد عبارت رایج فرهنگ ایرانی- اسلامی نیز می‌تواند با اِفتای نوعی دوبارگی و ترکیب کلان‌یکی گمراه‌کننده باشد؛ حال آنکه این پیوند، وجودی و جوهری است. کیست که نداند اسلام در بسستر ایران، طبیتی ایرانی‌یافت و ایران نیز با پذیرش آگاهانه اسلام، افقه‌هایی متعالی از حکمت، معنا و تمدن را تفع کرد. تشیع، به‌عنوان خولشی ممتاز و برگزیده ایرانیان از پیام‌های توحید، تریب‌نمایی چنین می‌چشم‌و سیمای ویژه‌ای نمود در برابر هویت فرهنگی کشدین مشر وعیت خلافت‌های غیرایرانی، به بازسازی و تقویت هویت ملی ایران یاری رساند. عرفان ایرانی، فلسفه اشراق و هنر این سرزمین، همگی شواهدی انکارناپذیر بر این وحدت عمیق و یگانه‌اند. از این منظر، گفتتمان انقلابی که برخی آن را در قطب مخالف ایران می‌نشانند، نه‌تنها پدیده‌ای ضدایرانی نیست، بلکه ذات خود، یکی از اصیل‌ترین و نیرومندترین تجلیات همین هویت در هم‌تنیده ایرانی است. انقلابی که در سال ۱۳۵۷ رخ داد، عمیقاً در سنت تاریخی عدالت‌خواهی ایرانی و روحیه ظلم‌ستیز برآمده از تشیع ریشه داشت. این گفتتمان هرگز با «ایران» سر ستیز نداشته، بلکه با آن خوانشی از ایران در جدال بوده که رژیم پهلوی آن را نمادنگاری می‌کرد؛ خوانشی که هویت را در باستان‌گرایی راداتی، نامسولیسم‌سطحی و غریب‌زدگی تحقیرآمیز خلاصه می‌نمود در برابر راکوهر اسیرلی فرهنگ ایرانی بیگانه می‌دانست. بحران بنیادین گفتتمان ملی‌گرای سکولار دقیقاً در همین نقطه بود؛ نازانی در تمایز نهادن میان خودو این بدیل تاریخی نامتجانس (گفتتمان پهلوی) و عجز از یافتن زبانی مشترک برای گفت‌وگو با وجدان تاریخی و توده‌های عمیق‌اندیش‌دار این سرزمین.

➤ **عبور از مغالطه حاکمیتی‌انگاری از نوحه‌سرابی ساختاری به نقد عملکرد برسیم**

به نظر می‌رسد آفت «حاکمیتی‌انگاری» مسائل و مخوش‌و ساختن تفکیک نهادهی میان «حاکمیت» به‌مثابه ساختار کلان و پایدار قدرت و «دولت» به‌مثابه کارگزار اجرایی و عملیاتی به‌عرضه‌ای جدی در ساحت اندیشه‌نخبگانی ایران بدل گشته‌است. حاکمیت، معمار سیاست‌های راهبردی و ترسیم‌کننده خطوط کلی است؛ اما مسئولیت مستقیم اجرا، تخصیص بودجه، اولویت‌بندی پروژه‌ها و پاسخگویی در قبال عملکرد و روزه‌رو،

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

اکنون سؤال دوم این است که در برابر این طرح پیچیده، ایران چه کار می‌تواند بکند؟ و آیا اصلاح‌ها وجود دارد؟ پاسخ آن است، که با کمالت تأسف، در عمل ابزارهای ایران برای جلوگیری از این کردیدور بسیار محدود است، و اگر دیر به خود بجنبند، دیگر هیچ کاری از دستشان ساخته نیست. از زمان انتخاب است، زمان تصمیم است، زمان کنار گذاشتن شک و شبهات است و زمان به کار گرفتن عزم ملی است. اکنون زمان نگاه برادرانه و دوستانه به جمهوری آذربایجان نیست، زمان تکرار پیهوده تجربه تلخ توافق با غربی‌ها نیست، زمان رؤیاپردازی و سرمایه‌گذاری آمریکاد در ایران نیست و زمان برقراری توازن میان کشورها در داخل کشور نیست.

اصلی‌ترین راهی که پیش روی ایران قرار دارد آن است که ظرفیت ژئواکونومیکی خود را احیا کند و موضوعی را که همیشه حرف آن را می‌زد، در عمل اجرا کند؛ راهکار اصلی آن است که ایران در عمل کردیدور شرق به غرب و شمال به جنوب را در خود احیا کند، به‌گونه‌ای که علاوه بر خشن‌سازی کردیدورهایی که ایران را دور می‌زنند (از جمله کردیدور صهیونیستی آیمک و رزننگورو)، سعی کند کردیدورها را به داخل خود بکشاند. همچنین، برای سرمایه‌گذاری، به جای امیدواهی به سرمایه‌گذاری غربی‌ها و شرکت‌های وابسته به غرب- مانند شرکت IPIG، هند که سرمایه‌گذار پرشالی چاپهار است- به دنبال جذب سرمایه‌های ژئواکونومیک (چین و روسیه) و سرمایه‌های ژئودلژیکولیک جهان اسلام برود. در محورت خاص اولی‌فوق، اقدام زیر خواهد داشت.

– همکاری با چین و پاکستان در اتصال چاپهار به گوادر (ذیل کردیدور سبیک) و توسعه منطقه مکران و خارج‌کردن چاپهار از دست شرکت هندی

اتصال چاپهار به سرخس، سرخس به بازرگان و اینکه‌ه‌برون به گرمسار، جهت تعریف قطع کشورهای آسیای میانه در کردیدور شمال-غرب و جنوب-شرق، که به نوعی قلع کردیدور میانی در شرق دریای کاسپین است، نه در منطقه و مناقشه‌خلو کاسپین – همکاری با روسیه جهت حضور در ارمنستان و پیشبرد کردیدور شمال-جنوب از آن طریق و حمایت از جریان ملی‌گرای ارمنستان در برابر جریان غرب‌گرا

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

مخاطب جهانی، با رفتارهایی آگاهانه، پایدار و الگوآفرین پیوند بخورد. ترویج استفاده بهینه از منابع طبیعی به‌ویژه آب، مقابله با اسراف غذایی در موکب‌ها، طراحی موکب‌های سبزی-با مصرف انرژی پایدار، بازیافت پسماندها، کاهش ردیابی کسب میری پیادمروی و حتی آموزش‌های زیست‌محیطی در حاشیه این رویداد، می‌تواند چهره‌ای جدید و هوشمند از این مناسک به جهانیان عرضه کند.

۸- **از تقویم گرای و اجرای سالانه یک حرکت جمعی به یک نهاد اجتماعی زنده و مستمر در تمام سال:** اربعین اگرچه در یک بازه زمانی مشخص از سال رخ می‌دهد، اما ظرفیت آن به‌هیچ‌وجه محدود به تقویم نیست. تحول اساسی در فهم و بهره‌برداری از این پدیده، آن است که اربعین نه به‌مثابه یک مناسک محدود، بلکه به‌عنوان پلنفرمی زنده و در حال‌توسعه از تعاملات اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای بین ملت‌ها در نظر گرفته شود. گذار از «رویداد» به «روند»، از «زمان خاص» به «زیست‌جهان مستمر»، و از «حرکت محلی» به «پلنفرم جهانی»، آینده نوینی را برای اربعین ترسیم می‌کند که در آن اربعین نه‌فقط تکرار سنواتی یک آیین مذهبی، بلکه موتور محرک یک تمدن نو ظهور مردمی خواهد بود که در آن مؤلفه‌های همبستگی، مسئولیت‌پذیری و عدالت‌خواهی در تمام سال جاری باشد.

در این مسیر، می‌توان از درون جامعه اربعینی شامل میلیون‌ها داوطلب، کششگر، هنر مند، خیر و رسانه‌گر مردمی، نهادی شبکه‌ای از کششگران میان‌مرزی و فراملی پدید آورد که می‌تواند در همکاری‌های فرهنگی و آموزشی بین شهرهای ایران و عراق گرفته‌تا پروژه‌های نوآورانه اقتصادی و اجتماعی مؤثر قرار گیرد.

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

بر دوش دولت‌ها و نهادهای اجرایی از جمله شهرداری‌هاست. تقلیل دادن هر قصور یا کارکردگرای اجرایی به اراده مطلق حاکمیت، گریز از مسئولیت نقد دقیق در پناه‌بردن به مأمنی انتزاعی و غیرقابل مؤاخذه است. نخستین و مه‌لک‌ترین برآیند این آفت اندیش‌گانی، ترویج فرهنگ عدم پاسخگویی است. هنگامی که یک‌ان اتهام، همواره به‌سوی آن کلیت انتزاعی و بی‌چهره حاکمیت نشانه می‌رود، کارگزار انضضامی و کششگر اجرایی عملاً از مدار پاسخگویی خارج می‌شود و در حاشیه‌ای امن قرار می‌گیرد، در چنین فضایی، امکان نقد مبتنی بر عملکرد و ارزیابی کارنامه، خای خود را به نوحه‌سرابی ساختاری و دانمی بر سرر نظام می‌دهد؛ مناسک می‌انژی که نه‌تنها راه به هیچ اصلاح مشخص و قابل‌پیگیری‌ای نمی‌گشاید که عملاً به سبزی برای مصونیت کششگران ناکارآمد بدل می‌گردد. دومین پیامد، انحصار یلس سیاسی و تحمیل نوعی فلج‌شدگی بر اراده جمعی است. آن زمان که هر معضلی به ذات ساختاری لاتینفر تقلیل می‌یابد، این پیام به جامعه مخابره می‌شود که هرگونه اراده اصلاح‌گرایانه در سطوح میانی و اجرایی، عقیم و از پیش شکست خورده است. چنین تلقی‌ای، افق اصلاحات تدریجی و بهبود روند‌های مشخص را مسدود می‌کند و با خلق دوغانه کاذب مردم علیه حاکمیت، جامعه را به‌سوی رهاییات‌های بیابان‌گرد و پیر‌هریزنه مضطر و صفری سوق می‌دهد. حال آنکه به‌رسمیت شناختن قلمرو مسئولیت‌دولت و تفکیک آن از حاکمیت، باب مطالعه‌ای دقیق، چانه‌زنی سیاسی و اصلاح تدریجی امور از مسیرهای واقع‌بینانه و ممکن را همواره گشوده نگاه می‌دارد.

➤ **به آیین قدرت بازگردید!**

نکته پایانی، بازنگشتی تأمل‌برانگیز به یکی از مفاهیم محوری در خود دستگاه تحلیلی جناب مطهرنیاست؛ مفهوم «آیین قدرت». ایشان این کلیدواژه را برای رمزگشایی از دینامیسم بین الملل و قواعد بازی قدرت‌های بزرگ به کار می‌گیرند، اما شگفت آنکه از کاربست همین ابزار دقیق در تحلیل ساختار سیاست داخلی ایران مغفول می‌مانند. آیین قدرت در درون مرزها نیز منطق و مناسک خاص خودش را دارد است. هر نظام سیاسی برای تضمین بقا، تحکیم انسجام و پیشبرد اهداف راهبردی‌اش، ناگزیر از ترسیم نفور گفتمانی و اولویت‌شدیشدن به نمادها و ارزش‌های معنیتی است. رویکرد نظام به نمادهای ملی را نیز دقیقاً می‌توان در همین چهارچوب واقع‌گرایانه صورت‌بندی کرد. زمانی که نماد یا گفتمانی به بیقری جریان رقیب به‌به ابزاری در دست اپوزیسیون برای بر پرسش کشیدن شالوده‌های نظام بدل می‌شود، واکنش تدافعی ساختار قدرت امری طبیعی و منطق بر منطق صیانت از خود در عالم سیاست است و این واکنشی سیاسی است، نه لزوماً خصومتی جوهری و فلسفی با اصل ایران. امروز نیز اگر شاهد چرخشی در این رویکردیم، این پدیده را می‌توان به بهترین شکل در پرتو همان آیین قدرت فهم کرد؛ مانور هوشمندانه برای بازسازی استراتژیک این نمادها از انحصار گفتمانی رقیب و نمایش این حقیقت که ایران نه‌تنها در تعارض با جمهوری اسلامی قرار ندارد، بلکه این نظام خود را وارث بلافصل و پاسدار حقیقی آن میراث عظیم می‌داند.

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

– در دستسور کار قرار دادن پروژه هاب گازی و هاب غذایی منطقه‌شدن ایران با کمک روسیه (البته از مسیری غیر از باکو)
– کاهش وابستگی تجارت خارجی ایران به امارات و سعی در تقویت و توسعه شمال خلیج فارس در برابر جنوب آن
فردی که اندکی با سیستم حکمرانی کشور و اقتصاد سیاسی درون آن آشنا باشد، با دیدن موارد فوق، حتماً خنده تلخی می‌کند و این موارد را نش‌شدنی می‌داند. سیستمی که از لحنی، عدم هماهنگی بین‌دستگاهی، تعارض منافع فراوان، حفاظت اطلاعات ضعیف، افعال و ترس مدیران از تصمیم‌گیری رنج می‌برد، به نظر نمی‌رسد که بتواند موارد فوق را پیگیری و محقق سازد. درست است؛ اما راه دیگری وجود ندارد. اکنون باید انتخاب کرد، تصمیم گرفت و همت گمارد. دنیا منتظر ما نخواهد ایستاد؛ نه چین می‌ایستد، نه روسیه؛ نه پاکستان می‌ایستد، نه عراق؛ نه آسیای میانه می‌ایستد، نه قفقاز؛ و نه آمریکا می‌ایستد و نه اروپا. بر فرض که بتوانیم از کردیدور زنگورو چشم‌پوشی کنیم یا به هر نحوی جلوی آن را بگیریم، آیا می‌توانیم همین کار را در قبال عراق و ترکمنستان هم بکنیم؟ در برابر پاکستان و افغانستان چطور؟ در باره عمان و ترکیه چه؟ دیگر دارد در می‌شود، هیچ‌کس منتظر ما نمی‌داند! باید خود دست به کار شویم.

برای حل این موضوع و پیشبرد طرح‌های مذکور، پیشنهاد می‌شود نهادهی پر قدرت تحت عنوان «اتاق جنگ اقتصادی» شکل بگیرد تا بتوانند با جمعیت قدرت (به جای ترویج‌یافتگی بیش از حد کنونی قدرت) و تعامل و ارتباط مؤثر و مستمر با خبرگان و نخبگان، طرح‌ها را به سرعت ارزیابی کنند و با طرف‌های خارجی به توافق برسد و موانع داخلی آن‌ها را برطرف نماید. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین بستر نهادهی برای ایجاد این نهاد که این کارو پروژه‌ها در دنیال کشد، شورای عالی امنیت ملی است؛ شورایی که به تازگی پدئاری دبیر جدید خود و شاهد تحولاتی عری این اساس پیشنهاد می‌شود توسط جمهور خود این پروژه‌ها را دنبال کند و وظیفه پیگیری آن را به دبیر شعام بسپرد. دبیر شعام نیز موظف گردد با تشکیل اتاق جنگ اقتصادی در بالاترین سطح ممکن پیگیر این امور باشد.

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

خاک کوی تو به صحرای قیامت فردا

همه بر فرق سر از بهر مباحثات فردا

در کمال خضوع و فروتنی در دیگر عزیزان عرصه هنر، توصیه می‌کنیم:

بهشت عَدَن اگر خواهی یا ما به میخانه

که از پای خُمّت روزی به حوضی کوثر اندازیم

آستان مقدس حضرت رضاع) عرض می‌کنیم:

با تو آن عهد که در «روضة رضوان» بستیم

به «شهادته» آن درمخت حاجات بریم

و به آستان مقدس حضرت اباعبدالله عرضه می‌داریم:

«قلم و بوم» نیززد به خشن و خاک مگر

از روضهٔ رضوان تا مشهد سالار شهیدان

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📄 فصلنامه
🌐 FARHIKHTEGANONLINE